



اهمیت امامت امام حسین(ع) در مسیر کربلا

استاد حوزه علمیه بیان کرد: امام حسین(ع) در تبیین این آیه که «روزی مردم را با امامشان فرا می‌خوانیم» اهمیت امامت را بیان می‌کنند و می‌فرمایند اگر می‌خواهید در قیامت پیرو امامی باشید باید در دنیا وی را انتخاب کرده باشید.

استاد حوزه علمیه بیان کرد: امام حسین(ع) در تبیین این آیه که «روزی مردم را با امامشان فرا می‌خوانیم» اهمیت امامت را بیان می‌کنند و می‌فرمایند اگر می‌خواهید در قیامت پیرو امامی باشید باید در دنیا وی را انتخاب کرده باشید.

به گزارش ایکن، حجت الاسلام والمسلمین محمدباقر علوی تهرانی؛ استاد حوزه علمیه، شب گذشته ۲۴ تیر در مراسم عزاداری شب تاسوعای حسینی، در مسجد حضرت امیر(ع) به سخنرانی پرداخت که مشروح آن را می‌خوانید:

امام حسین(ع) از مکه خارج شدند و در مسیر کوفه قرار گرفتند. توقفگاه‌هایی که سیدالشهدا(ع) در مسیر خود انتخاب کردند سی و هشت منزلگاه است که در برخی یک شبانه روز و در برخی فقط در حد یک نماز توقف کردند. از بین تمام این توقفگاه‌ها، بنده منزل‌هایی را انتخاب کردم که یک حادثه و جریان در آن افتاده است. اولین توقفگاهی که امام حسین(ع) در آن حضور پیدا کردند «تعیم» است که تمام مورخین گفته‌اند امام در اینجا شترهایی را برای حمل بار خودشان اجاره کردند.

ماجرای دیدار امام حسین(ع) با فرزدق

گفته شده که در اینجا امام با قافله‌ای مواجه شدند که از سمت حاکم یمن به سمت دربار یزید می‌رفت. در اینجا نقل شده که امام این بار را توقیف کردند و حق و حقوق شتردارها را هم دادند و گفتند هر کسی همراه من بیاید دو برابر مزدی که تاکنون می‌گرفته را به وی می‌دهم. جناب شیخ مفید، خبر این ماجرا را اصلاً نقل نکرده بلکه سید بن طاووس نقل کرده است. مرحوم بحرالعلوم در کتاب «رجال» این را نقل کرده اما در اصل آن تردید کرده است چون معتقد بوده که شأن امام بالاتر از آن است که چنین چیزی به ایشان منسوب شود. به فرض اینکه چنین چیزی اتفاق افتاده باشد آیا این چیز خوبی است یا بد؟ اولاً باید گفت که امام چیزی خلاف عصمت انجام نمی‌دهد چون مراقب است که مرتکب گناه نشود. این کار یک پیام سیاسی برای دستگاه بنی امیه دارد و آن اینکه امام حسین(ع)، دستگاه بنی امیه را نامشروع می‌داند و اساساً ایشان در حال رفتن برای برهم زدن بنیان این حکومت هستند و کارشان به نفع مسلمین بوده است. همه طرفداران بنی امیه این داستان را نقل کرده‌اند و گفته‌اند این یک پیام سیاسی است و از این طریق به امام حسین(ع) هم طعنه‌ای نزنند.

امام حسین(ع) در توقفگاه دیگر که در «صفاح» است با یکی از شعرای اهل بیت(ع) به نام فرزدق دیدار دارند. امام از ایشان سؤال کردند که از مردمان کوفه چه خبر؟ وی گفت من قلباً شما را دوست دارم اما لازم است به شما بگویم که آنها پای شما نمی‌ایستند بلکه در دفاع از بنی امیه با شما می‌جنگند. حضرت سیدالشهدا(ع) این سخن وی را تأیید کردند اما گفتند آنها قلباً به ما ارادت دارند ولی ظاهراً با ما مخالفت می‌کنند چون اینها بنده مال دنیا هستند و اگر در جایی دین به در آنها خورد از آن دفاع می‌کنند وگرنه زمانی که در بوته آزمایش قرار بگیرند ما را رها می‌کنند. نکته جالب این است که خود فرزدق که شیعه اهل بیت(ع) است و قصیده‌ای درباره امام زین العابدین(ع) دارد نیز امام را همراهی نکرد.

شهادت قیس بن مسهر

توقفگاه دیگر، «ذات عرق» است. بشر بن غالب اسدی و برادرش بشیر بن غالب اسدی که راویان دعای عرفه امام حسین(ع) هستند در اینجا با امام دیدار کردند اما نه امام از آنها درخواست داشت که وی را همراهی کنند و نه خودشان گفتند که ما همراه تو می‌آییم. امام در اینجا از اوضاع کوفه سؤال پرسیدند و آنها همان جواب فرزدق را دادند ولی آنان سوالی از امام پرسیدند و گفتند مقصود از این آیه چیست که گفته شده «يَوْمَ تَدْعُو كُلُّ أُنَاسٍ يَآمَنُ بِهِمْ قَمَنٌ أَوْ يَكْتُمُونَ قَوْلًا يَكْتُمُونَ قَوْلًا يَكْتُمُونَ قَوْلًا» (به یاد آر) روزی که ما هر گروهی از مردم را با پیشوایشان (به پیشگاه حقیقت) می‌خوانیم، پس هر کس نامه عملش را به دست راست دهند آنها نامه خود را قرائت کنند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد» (اسراء/۷۱) آنها می‌خواستند بدانند منظور از اینکه روزی مردم را با امامشان فرامی‌خوانیم، چیست؟ مرحوم شیخ صدوق نقل کرده که امام فرمودند در بین خلائق، پیشوایانی هستند که صلاح مردم و پیشرفت آنها به اراده او اتفاق می‌افتد و خلائقی هم هستند که جامعه را رهبری می‌کنند اما آن را به تباهی می‌کشند، طایفه اول در بهشت و طایفه دوم در جهنم هستند. درواقع امام حسین(ع) در اینجا نقش امام آسمانی و اهمیت حمایت از وی را بیان می‌کنند. این آیه در آنجا از این جهت برای امام حسین(ع) اهمیت دارد که ایشان اهمیت امامت را بیان می‌کنند و می‌فرمایند اگر می‌خواهید در قیامت پیرو امامی باشید باید در دنیا وی را انتخاب کرده باشید.

توقفگاه بعدی «هاجر» است که ایشان صف روز ماندند و نامه ای به مردم کوفه نوشتند. در این نامه آمده است که نامه مسلم بن عقیل به من رسید، که در آن از خُسن رأی شما خبر داده بود لذا از خدا خواستم که کار ما را نیکو گرداند و در مقابل این کار بزرگترین اجر را به شما عطا کند. وقتی فرستاده من نزد شما آمد در کار خود جدیت بیشتری به خرج دهید که ان شاء الله به زودی نزد شما خواهم آمد. این نامه به دست قیس بن مسهر رسید و ایشان رفتند که به سرعت نامه را به مردم کوفه تحویل دهند اما در منطقه قادسیه توسط بنی امیه اسیر شد و او را نزد عبیدالله بن زیاد بردند. عبیدالله گفت باید بالای منبر بروی و از حسین بن علی(ع) بیزاری بجویی. وی بالای منبر رفت اما با تمام توان از امام حسین(ع) دفاع و عبیدالله را لعن کرد. لذا وی را به شهادت رساندند و سر مبارک او را از تنش جدا کردند.

ماجرای حمله امویان به مدینه

توقفگاه دیگر «خُزیمیه» است. اینجا مکانی است که آب فراوان و زمین های کشاورزی پر رونقی دارد. امام در اینجا برای دومین بار با عبدالله بن مطیع روبه رو شد که رهبر شورشی های مدینه است که مدینه را از دست امویان گرفت اما امویان برای دفع وی یک لشکر مجهز به مدینه فرستادند و یزید حکم کرد که زنان آنجا به مدت سه روز برای سربازان ما آزاد هستند لذا در تاریخ نوشته اند که در همان مدت ده هزار مولود نامشروع اتفاق افتاد. وقتی عبدالله بن مطیع با امام مواجه شد به ایشان گفت چه شده که به اینجا آمده ای؟ امام فرمود خبر مرگ معاویه به من رسیده است مردم عراق برایم نامه نوشته و من را به نزد خود فراخوانده اند. عبدالله بن مطیع گفت شما را به خدا سوگند می دهم که نگذار با کشته شدن حرمت اسلام شکسته شود چون اگر آنچه در دست بنی امیه است را طلب کنی شما را خواهند کشت و پس از آن دیگر از کسی باکی نخواهند داشت. منظورش این بود که تو امان خلق هستی بنابراین متعرض بنی امیه نشو، اما امام حسین(ع) به راه خود ادامه دادند و فرمودند به ما چیزی نمی رسد مگر آنچه مقدر است.

توقفگاه دیگر «زَرُود» است. در اینجا بود که وجود مبارک زهیر بن قین، به حضرت سیدالشهدا(ع) پیوستند. با اینکه زهیر بن قین، طرفدار عثمان بودند و امام هم این را می دانستند اما سیدالشهدا(ع) از ایشان درخواست کردند که همراهشان بیایند لذا ایشان پذیرفتند و با امام همراه شدند. ماجراهایی که در بقیه توقفگاه ها اتفاق افتاده است را در شب آینده بیان خواهیم کرد.